

بسمه تعالی	فلسفه پایه یازدهم	درس ۹: چیستی انسان ۱
<p>با سلام، چند نکته: ۱. سوالات و پاسخ ها تقریباً به صورت توضیحی و تحلیلی و با رویکرد آموزشی طراحی شده اند. ۲. فهم سوال به اندازه یادگیری پاسخ آن اهمیت دارد. ۳. سعی شده تمام نکات درس به صورت جامع و مانع پوشش داده شود و در بعضی موارد، توضیحات اضافی داخل () قرار گرفته است که برای فهم بهتر و نه ضرورتاً حفظ کردن، طرح شده اند. ۴. قبل و بعد از مطالعه این مجموعه، درس مدنظر، مرور شود.</p> <p>احمد قاسمی</p>		
<h3>یونان باستان</h3>		
۲	<p>نظر دقیق و روشن درباره انسان را اولین بار..... مطرح کرد. افلاطون</p>	
۳	<p>دیدگاه افلاطون درباره چیستی (حقیقت) انسان را بیان کنید. انسان علاوه بر بدن، حقیقت پرتری به نام نفس دارد که محدودیت های بدن را ندارد. (این عقیده تا حدودی دیدگاه استادش، سقراط و شاگردش، ارسطو هم هست)</p>	
۴	<p>ویژگی های نفس از نظر افلاطون را بنویسید؟ ۱. محدودیت های بدن را ندارد. ۲. نامرئی است. ۳. جاودانه است. ۴. جزء عقلانی انسان است. ۵. با ارزش ترین دارایی انسان است. ۶. مراقبت از آن، مهمترین وظیفه انسان است. ۷. نفس تنها موجودی است که دارای عقل و خرد است، پس انسان را (که دارای نفس و در نتیجه عقل است) از دیگر حیوانات متمایز می سازد.</p>	
<p>افلاطون مهمترین وظیفه انسان، و دلیل و ثمره آن را چه می داند؟ مراقبت از نفس - چون نفس با ارزش ترین دارایی انسان است - زیبا شدن و آراستگی نفس به فضایل. (فضایل اخلاقی و انسانی)</p>		
<p>ویژگی های نفس از نظر ارسطو را بنویسید؟ ۱. قوه نطق (تعقل) انسان مربوط به نفس است. ۲. حیات انسان مربوط به نفس است. (پس بدن، بدون نفس مرده است) ۳. نفس انسان در هنگام تولد، هیچ فعلیتی (علم، احساس، محبت و نفرت و...) ندارد؛ حالت بالقوه دارد و به تدریج این امور را کسب می کند، به فعلیت می رسد و کامل تر می شود.</p>		
<p>ارسطو با کدام نظر استاد خود (افلاطون) درباره نفس هم عقیده است؟ این که حیات و قوه نطق مربوط به نفس است نه بدن.</p>		
<p>منظور ارسطو از «ناطق» بودن انسان چیست؟ سخن گفتن و تفکر و تعقل داشتن. (تفکر و تعقل کردن هم نوعی سخن گفتن درونی با خود است)</p>		
<h3>دوره جدید اروپا</h3>		
۵	<p>دو جریان فلسفی به لحاظ انسان شناسی در دوره جدید اروپا و پیروان آن ها را نام ببرید. ۱. معتقدین به روح و بدن داشتن انسان (دو ساحتی بودن): کانت و بیشتر فیلسوفان عقل گرا مثل دکارت. ۲. معتقدین به تک ساحتی بودن انسان: ماتریالیست ها مثل مارکس و توماس هابز، و داروینیست ها.</p>	
۶	<p>دیدگاه دکارت درباره حقیقت و چیستی انسان را بیان کنید. ۱. انسان دارای روح (یا نفس) و بدن است. ۲. روح و بدن کاملاً مجزا و متفاوت از هم، ولی با هم هستند. ۳. حقیقت «من» انسان، روح است. ۴. روح از بدن استفاده می کند. ۵. روح مرکز اندیشه انسان (مثل استدلال کردن، قضاوت کردن، رد کردن یا پذیرفتن) است. ۶. روح از قوانین فیزیکی پیروی نمی کند. ۷. بدن ماشینی پیچیده است که از قوانین فیزیکی پیروی و به صورت خودکار عمل می کند.</p>	
۷	<p>ویژگی های روح یا نفس انسان از دیدگاه دکارت را بیان کنید.</p>	

<p>۱. حقیقت «من» انسان است. ۲. کاملاً مجزا و متفاوت از بدن است. ۳. از بدن استفاده می کند. ۴. مرکز اندیشه انسان (مثل استدلال کردن، قضاوت کردن، رد کردن یا پذیرفتن) است. ۵. از قوانین فیزیکی پیروی نمی کند.</p>	
<p>۸ ویژگی های بدن انسان از دیدگاه دکارت را بیان کنید. ۱. کاملاً مجزا و متفاوت از روح است. ۲. مورد استفاده روح قرار می گیرد. ۳. ماشینی پیچیده است که از قوانین فیزیکی پیروی و به صورت خودکار عمل می کند.</p>	
<p>۹ استدلال کانت بر وجود نفس غیرمادی و اختیار انسان را بنویسید. (این استدلال دارای سه گام است که ترتیب آن باید حفظ شود و در گام سوم مطلوب (نفس غیرمادی و اختیار) اثبات می شود). ۱. انسان موجودی اخلاقی و دارای وجدان اخلاقی است. (اخلاقی بودن انسان امری غیرقابل انکار است، مثلاً همه انسان ها خیانت را زشت می دانند). ۲. اخلاق بدون اختیار بی معنا است. (انسان موجودی اخلاقی است، بنابراین دارای اختیار هم هست) ۳. اختیار ویژگی نفس است نه بدن مادی. (چون بدن مادی برخلاف اختیار و اراده آزاد انسان تابع قوانین فیزیک است، بنابراین انسان دارای نفس غیرمادی است).</p>	
<p>ماتریالیست کیست؟ (به معنای ماده گرا) فیلسوفی که معتقد است: ۱. همه موجودات از جمله انسان، تنها دارای بعد (ساحت) مادی (جسمانی) هستند. ۲. انسان تنها یک ماشین مادی بسیار پیچیده است. ۳. ذهن و روان انسان تنها مغز و سلسله اعصاب (امری مادی) است.</p>	
<p>۱۰ دیدگاه توماس هابز درباره ذهن انسان را بیان کنید. ذهن بشر یک یک دستگاه پیچیده مادی است که مثل دستگاه مکانیکی کار می کند.</p>	
<p>۱۱ دیدگاه مارکس درباره حقیقت و چیستی انسان را بیان کنید. ۱. انسان تنها یک موجود مادی است. ۲. نیازهای اصلی انسان مادی هستند. ۳. نیازهایی مثل نیاز به اخلاق و قانون و اجتماع هم (که به ظاهر مادی نیستند) بخاطر نیازهای مادی پدید آمده اند.</p>	
<p>۱۲ داروینیست کیست؟ فیلسوفی که از نظریه (زیست شناسی) داروین درباره چگونگی پیدایش حیات و انسان، و تحوّل تدریجی موجودات زنده، این نتیجه فلسفی را گرفته است: انسان حیوانی راست قامت است که تنها تفاوت حقیقی او با دیگر حیوانات، پیچیده تر بودن او است.</p>	
<p>۱۳ عقیده مشترک ماتریالیست ها و داروینیست ها درباره حقیقت انسان و نتیجه آن در حوزه اخلاق (فلسفه اخلاق) را بیان کنید. انسان تفاوت واقعی با دیگر حیوانات ندارد، پس ارزش خاصی هم نسبت به آن ها ندارد - (در حوزه فلسفه اخلاق) در نتیجه اخلاق و فضیلت گرایی انسان، به خاطر داشتن فطرت و روح نیست، بلکه انسان مجبور شده بخاطر حفظ زندگی اجتماعی، اصول اخلاقی را ابداع و رعایت کند.</p>	
<p>قال معصوم (ع): عقل جز با پیروی از حق کامل نمی شود.</p>	
<p>Email: ghasemi.ahmad62@yahoo.com Weblog address: www.phgorgan.blogfa.com</p>	<p>آدرس ما در سروش و تلگرام: @phgorgan تهیه کننده: احمد قاسمی</p>